دلواپسی برای ساختمان خاطره‌انگیز تهران

ادامه روند بازسازی شمس‌العماره

عکس‌هایی که اخیرا از شمس‌العماره در کاخ گلستان منتشر شده، ابهام‌هایی را ایجاد کرده است. ورودی این بخش از کاخ گلستان به روی بازدیدکنندگان بسته شده است و مدتی پیش هم بخش‌هایی از آن پوشانده شده بود. پیگیری از مسئولان کاخ گلستان حاکی از این است که مرمت کاشی‌ها و دیگر تزئینات شمس‌العماره آغاز شده است. «سربازان نوازنده»، یکی از زیباترین نقش‌های کاشی‌های شمس‌العماره است که در بخش پایین ایوان شاه‌نشین نصب شده و مدتی است تکه‌هایی از کاشی‌های آن برای مرمت و استحکام‌بخشی از دیوار جدا شده است. روی یک بخش از دیوار شمس‌العماره هم داربست‌هایی نصب شده که مدتی پیش انتشار فیلمی از آن حاشیه‌هایی را ایجاد کرد. جبار آوج ـ معاون اجرایی کاخ گلستان ـ درباره آنچه در شمس‌العماره در حال وقوع است به ایسنا گفت: مرمت تزئینات ایوان شمس‌العماره پس از تالار برلیان در کاخ گلستان آغاز شده و قرار است آیینه‌کاری‌ها، گچبری‌ها و کاشی‌کاری‌های ایوان شمس‌العماره، پاکسازی، استحکام‌بخشی و مرمت شوند. او افزود: پله‌های منتهی به بالای شمس‌العماره نیز مرمت می‌شود، ولی همچنان طبقات بالایی شمس‌العماره شرایط لازم و امکان بازدید عموم را نخواهند داشت، که البته برای جبران آن تور مجازی سه‌بعدی طراحی شده و از سایت کاخ گلستان قابل دسترس است. آوج درباره دلیل نصب داربست در شمس‌العماره که مدتی پیش حاشیه‌ساز شده بود، نیز اظهار کرد: نصب داربست‌ها برای مرمت کاشی‌ها بوده است. ۴۰ مترمربع را در فاز اضطراری، مرمت می‌کنیم.

معاون اجرایی کاخ گلستان این توضیح را اضافه کرد که کاخ گلستان تنها اثر دنیاست که در محوطه آن هفت‌هزار مترمربع کاشی‌کاری در تکنیک‌های مختلف هفت‌رنگ، معرق و ... وجود دارد و به تنهایی، یک موزه کاشی به حساب می‌آید. این هفت‌هزار مترمربع که در فضای باز قرار دارد همیشه در معرض آسیب است و مدام باید حواسمان باشد. در طوفان‌های اخیر هم بخشی از کاشی‌ها آسیب دیده بود که در فاز اضطراری مرمت شدند. آوج افزود: به هر حال تغییرات اقلیم بر فرسودگی و تخریب کاشی‌ها و تزئینات تاریخی نمی‌تواند بی‌تاثیر باشد. باد، طوفان، گرما و سرما، بارش باران، عوامل انسانی و بیولوژیکی و فرسودگی مصالح، همگی آسیب‌رسان هستند و باید مرمت‌ها و حفاظت‌های دوره‌ای انجام شود. شمس‌العماره یا عمارت خورشید شاخص‌ترین و یکی از زیباترین بناهای کاخ گلستان است، که در پنج طبقه به دستور ناصرالدین شاه و با سرمایه و مباشرت دوستعلیخان معیرالممالک (نظام‌الدوله) و معماری جعفرکاشی ساخته شد. گویا ناصرالدین شاه بر اثر دیدن تصاویر بناها و آسمان‌خراش‌های کشورهای اروپایی تمایل پیدا می‌کند بنای مرتفعی نظیر بناهای فرنگستان در پایتخت خود ایجاد کند تا از بالای آن بتواند منظره شهر تهران و دورنمای اطراف را تماشا کند. البته در این میان، احداث این بنا را به عنوان یک شاخص مهم شهری هم‌زمان با احداث خیابان ناصریه (ناصرخسرو) نیز نمی‌توان نادیده گرفت. ساخت شمس‌العماره در سال ۱۲۸۰ هجری قمری آغاز شد و پس از سه سال در سال ۱۲۸۳ هجری قمری به پایان رسید. ساختمان دو برج هم‌شکل دارد که آئینه‌کاری‌ها و نقاشی‌ها و گچبری‌های ازاره‌ها، دیوارها و سقف‌های آن از حیث نمایش شیوه‌های متنوع تزئینات داخلی بناها در ایران بی‌نظیر است. این بنا که با مرمت‌های لازم در سال ۱۳۵۰ خورشیدی به سرپرستی استاد محمدکریم پیرنیا و همچنین مرمت‌های سال‌های اولیه دهه ۸۰ خورشیدی همراه بوده از سال ۱۳۷۸ خورشیدی برای بازدید عموم گشایش یافته است.

ماجرایِ پیدا شدن کاشی‌های قاجار در کمدهای کاخ گلستان

سال‌ها آنچه جلوی چشم‌مان بود را ندیدیم

مدیر مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان از چگونگی پیدا شدن کاشی‌های قاجاری در تالار برلیان سخن گفت و از کشف کاشی‌های دیگری که بخشی از تاریخ گمشده را روایت می‌کنند، خبر داد.

به گزارش ایلنا، ماجرای کشف تاریخ گمشده کاخ گلستان یکی از خبرهایی است که این روزها دهان به دهان می‌چرخد. اما راز کشف این تاریخ گمشده چیست و چگونه است که پس از سال‌ها با وجود آنکه این کاشی‌ها جلوی چشم همگان بوده اما کسی آنها را ندیده!

آفرین امامی (مدیر مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان) با اشاره به تاریخی که از انجام تغییرات در عمارت برلیان در دوره پهلوی حکایت دارد، گفت: در دوره پهلوی یکسری تغییرات در عمارت برلیان و بسیاری از بخش‌های کاخ گلستان بخصوص در تزیینات داخلی و مداخلاتی در حوزه معماری و تزیینات وابسته به معماری اتفاق می‌افتد که یکی از آن‌ها به صورت وسیع در عمارت برلیان بوده است. اسناد و تصاویر این تغییرات نیز در آلبوم خانه کاخ گلستان موجود است.

او ادامه داد: بر اساس این اسناد، کف عمارت برلیان کاملا کنده شده و بعد در دوره پهلوی براساس مد روز، پارکت شده است. در آن زمان کاخ در انحصار دربار بود و به مثابه یک اثر تاریخی به آن نگاه نمی‌شد از این رو بر اساس سلایق دربار، تغییراتی در آن ایجاد می‌کردند. برای مثال می‌توان به تغییراتی در ضلع شمالی تالار برلیان اشاره کرد. بر اساس عکس‌هایی که در اختیار داریم در این بخش در دوره قاجار دو در وجود داشت که احتمالاً به بخش اندرونی کاخ که در گذشته وجود داشت، راه داشتند و بعد از ساخت ساختمان دارایی در پشت این بخش و در جریان تعمیرات، برخی از این درها کور و تبدیل به کمد شدند. برای آنکه بتوانند از کمدهای جدید استفاده کنند و جهت همسطح شدن ارسی‌ها با کمد، از تخته استفاده کردند که در نهایت فاصله‌ای بین کف و آنچه به عنوان سطح کمد دیده می‌شد، بوجود آمد. همین امر سبب شد تا سالیان سال، کف این کمدها از دید عموم و مسئولان کاخ دور بماند.

مدیر مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان ادامه داد: حتا در دوره‌ای امنای اموال حین جابه‌جایی اشیاء، از این کمدها برای نگهداری موقت برخی از آثار استفاده و در آنها را پلمپ می‌کردند. در دوره‌ای بنابر آن شد تا تمام آثار این کمدها به مخزن منتقل شود. جالب آنجاست که وقتی آثار از این کمدها منتقل شدند، همگان به این کمدها به چشم کمدهای خالی نگاه می‌کردند و هیچ کنجکاوی خاصی درباره آن‌ها وجود نداشت. زمانی که در دوره پهلوی دوم درصدد پارکت کردن کف تالار برلیان برآمدند، قسمت‌های داخل کمدها را به دلایل مختلف پارکت نکردند و از آنجا که در کمدها بسته بود، حتی به سراغش هم نرفتند و به نوعی رهایش کردند.

امامی با اشاره به آنکه این روند تا زمانی که مرمت و تعمیر تالار برلیان آغاز شد، ادامه یافت، گفت: قبل از آنکه بخواهیم تالار برلیان را مرمت کنیم، اتفاقات این مجموعه را مورد بررسی قرار دادیم و متوجه شدیم مهم‌ترین اتفاقی که در این تالار افتاده، قرائت فرمان مشروطه است از این رو تصمیم بر آن شد تا تالار برلیان تبدیل به یادمان نهضت مشروطه ایران شود. برای چیدمان تالار برلیان، به بررسی اسناد و مدارک و عکس‌های موجود در کاخ گلستان پرداختیم که در نهایت به نقاشی رنگ روغن ابوالحسن خان ثالث (یحیی غفاری) رسیدیم که تصویری کلی از تالار اصلی را نشان می‌داد. در این تابلو به جزییات توجه نشده و کلیات تصویر شده‌اند اما نمایی از کاشی‌های کف تالار مشهود است. با توجه به آنکه درحال حاضر کف تالار پارکت است، ما هیچ سندی از کاشیکاری کف تالار نداشتیم و این نقاشی برایمان جالب توجه شد. البته ممکن است نقاش در برخی از جزییات تغییراتی هم اعمال کرده باشد.

به گفته مدیر مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان، این تالار ده‌ها سال مرمت نشده بود، خصوصا برخی آینه کاری‌ها به دلایلی از جمله تغییرات دما، نشست ساختمان، لرزش‌هایی که در طول دوران مختلف داشته و... فرو ریخته و آسیب دیده بود. خصوصا گچ‌کاری‌های عمارت برلیان باتوجه به آنکه روی آینه‌ها کار شده‌اند، آسیب پذیرتر هستند و زمانی که آینه‌ها می‌ریزند همراه با گچبری‌ها هستند.

او با اشاره به آنکه در نهایت در چیدمان تالار سعی شد با توجه به نقاشی که در اختیار بود کار پیش برده شود، ادامه داد: حتا در این نقاشی دو تابلوی سنگی با نقاشی گل دیده می‌شود که روی آینه کاری‌های ضلع شرقی تالار آویزان بوده. اما از آنجا که بسیار سنگین هستند و آویزان کردن مجدد آن‌ها روی آینه‌کاری‌ها می‌توانست به آینه‌ها آسیب وارد کند از این رو در چیدمان تالار برلیان بر آن شدیم تا این تابلوهای سنگی را روی طاقچه ضلع غربی قرار دهیم. وقتی چیدمان را انجام دادیم، نتوانستیم برخی از آثار را در نقاشی شناسایی کنیم اما سعی کردیم از آثاری استفاده کنیم که در تالار برلیان موجود بود و چیدمان را نیز بر هم نزنیم. البته بیش از ۸۰ درصد تالار بر اساس همان نقاشی چیدمان شده است.

امامی یادآور شد: تالار برلیان چندین اتاق پی در پی دارد که اکنون سه فضای اصلی و دو اتاق دیگر برای مرمت درنظر گرفته شده‌اند و همچنان مرمت دو اتاق دیگر در جریان است. درحال حاضر فضای اصلی چیدمان و افتتاح شده، زمانی که مرمت را انجام می‌دادیم متوجه برچسب‌های نقره‌ای روی شیشه‌های کمد شدیم که احتمالا برای یکنواختی درهای کمد با فضای آینه‌کاری همجوارش بوده. طی این سال‌ها کسی درصدد کندن این برچسب‌ها برنیامده بود که ببیند پشت آن چیست. البته تصورمان آن بود که این‌ها آینه‌های کهنه هستند. اما حین مرمت این برچسب‌ها را کندیم و متوجه کمد پشت آن شدیم. که ظاهر مناسبی نداشت. در نهایت هنگامی که تخته زیرین را مورد بررسی قرار دادیم بخشی از تخته شکست. این اتفاق سه روز مانده به افتتاح تالار نهضت مشروطه افتاد و متوجه کاشی‌های کف کمدها شدیم. کلیات این کاشی‌ها در نقاشی ابوالحسن خان ثالث آورده شده و متوجه شدیم که بخش گمشده‌ای از معماری تالار برلیان پیدا شده است.

این کاشی‌های قاجاری در گوشه‌ای شکسته، شوره گرفته و ترک خورده بودند و حتا با دست می‌شد آنها را برداشت. این کاشی‌ها در یک سطح قرار داشتند اما وضعیت مناسبی نداشتند.

او ادامه داد: در آن زمان باید تصمیم می‌گرفتیم که در آستانه گشایش نمایشگاه نهضت مشروطه با این یافته‌ها چه کنیم. در نهایت بر آن شدیم تا کاشی‌ها را مرمت اضطراری کنیم. کدگذاری انجام، زیرسازی صورت گرفت و کاشی‌ها سر جای خود گذاشته شدند.

با توجه به اینکه کاشی‌ها باقی‌مانده معماری دوره قاجار این مجموعه و سندی برای بازگرداندن فضا به اصالت اولیه است، برای ما ارزش زیادی دارند. درواقع بخشی از تاریخ گمشده تالار برلیان و کاخ گلستان نمودار شده بود. البته تعدادی از همکاران عنوان می‌کردند که می‌دانستند این کاشی‌ها آنجا بوده اما چرا تاکنون چیزی دراین باره نگفته بودند را نمی‌دانیم.

با توجه به آنکه این کاشی‌ها کف کمد هستند برای بازدیدکنندگان این امکان وجود ندارد که بتوانند آنها را ببینند. از این رو بر آن هستیم تا مداخله‌ای انجام دهیم و آینه‌ای در پشت کمد نصب کنیم تا امکان دیده شدن این کاشی‌ها را فراهم کند.

به گفته مدیر مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان، در اتاق‌های بعدی نیز کمدهایی وجود دارد که سال‌ها پلمپ بودند و با وجود آنکه حتا تخته‌ای نیز در آن‌ها وجود نداشت اما تاکنون کاشیکاری کف آن‌ها مورد توجه قرار نگرفته بود. در مرمتی که داشتیم متوجه این کاشی‌ها شدیم که البته مدل آن با مدل کاشی‌هایی که در تالار اصلی پیدا کردیم، تفاوت دارد. نمی‌دانیم که چرا طی این سال‌ها کسی به این کاشی‌ها توجه نکرده است. یا در کمدها باز شده و به اهمیت آن توجه نشان نداده‌اند یا آنکه اصلا به سراغ این کمدها نیامده‌اند. شاید مدیران پیشین فکر نمی‌کردند که این کاشی‌ها و این کمدها می‌تواند سند تاریخی را در دل خود داشته باشند.

امامی در پاسخ به این سوال که آیا تصمیمی درخصوص پارکت کف تالار برلیان گرفته شده است یا خیر، گفت: یک اثر در طول تاریخ تغییرات متعددی می‌کند و ما وظیفه داریم که آخرین تغییرات اعمال شده را حفظ کنیم. اینکه پارکت‌های دوره پهلوی تالار برلیان جمع‌آوری شود و کاشی‌کاری‌هایی همچون دوره قاجار در آنجا نصب شود، موضوعی است که باید مورد بررسی قرار گیرد. در حال حاضر چنین قصدی نداریم مگر آنکه در شورای راهبردی در کمیته فنی و... در این خصوص تصمیم گرفته شود. البته با توجه به وضعیت و عمر پارکت‌ها باید در آینده تصمیماتی در این خصوص گرفته شود.

مهدی فخیم‌زاده و محمد کارت فیلم جدید می‌سازند

مهدی فخیم‌زاده و محمد کارت برای ساخت دو فیلم سینمایی جدید مجوز گرفتند.

به گزارش ایسنا به نقل از اداره کل روابط عمومی سازمان امور سینمایی و سمعی بصری، شوراهای پروانه ساخت آثار سینمایی اخیرا با ساخت چهار فیلم‌نامه سینمایی موافقت کرده که در بین ان‌ها نام سینماگرانی مطرح نیز دیده می‌شود.

مهدی فخیم‌زاده که آخرین فیلمش با نام «مشت آخر» سال ۱۳۹۸ در سینماها اکران شد، پس از پنج سال قصد ساخت یک فیلم تازه را دارد. او برای فیلمنامه‌ای به نام «نابرادر» از سازمان سینمایی مجوز گرفته و علاوه بر کارگردانی، تهیه‌کنندگی و نویسندگی آن را هم خودش برعهده دارد.

همچنین محمد کارت در تدارک ساخت دومین فیلم بلند سینمایی با نام «نفس خور» است. او «شنای پروانه» را سال ۱۳۹۸ ساخت که با وجود توجه زیاد در جشنواره فیلم فجر، به دلیل تعطیلی سینماها در دوران شیوع کرونا اکران خوبی را پشت سرنگذاشت. «نفس خور» قرار است به تهیه‌کنندگی سید مازیار هاشمی و نویسندگی محمد مهدی کارت و رضا بهاروند ساخته شود.

«نقطه صفر زمین» هم به تهیه‌کنندگی حبیب والی‌نژاد و کارگردانی و نویسندگی امیرعباس ربیعی پروانه ساخت گرفته است. ربیعی که پیش‌تر فیلم‌های «لباس شخصی» و «ضد» را ساخته، در فیلم جدیدش سراغ برخی وقایع دهه ۸۰ رفته و درباره آن گفته است: این فیلم تجربه‌ای کاملاً غیرمرتبط با دو فیلم قبلی من است و موضوعی اجتماعی مرتبط با تاریخ معاصر دارد.

داستان فیلم در دهه ۸۰ رخ می‌دهد و اتفاقی را روایت می‌کند که شهید احمد کاظمی فرمانده وقت نیروی هوایی سپاه، در آن نقش ویژه‌ای داشته است. علاوه براین‌ها فیلمنامه «گمشده» به تهیه‌کنندگی علی‌اکبر ثقفی و کارگردانی و نویسندگی مریم برزگر پروانه ساخت گرفته است.

در شورای پروانه ساخت آثار غیرسینمایی هم برای فیلم‌نامه مستند «دکتر پری» به تهیه‌کنندگی پرهام جعفری، کارگردانی و نویسندگی غلام حسن هدایت و فیلم‌نامه‌های بلند داستانی «محمد رسول» به تهیه‌کنندگی علی کریمی جلال، کارگردانی حسین عموئی تبریزی و نویسندگی تیرخش علی کیایی و محمد دولت آبادی و «دایا»به تهیه کنندگی و کارگردانی محمد کریمی و نویسندگی الهام السادات حسینی مجوز ساخت داده شده است.

جامعه هنری در سوگ فیلمبردار پیشکسوت سینمای ایران

اعلام زمان خاکسپاری مرتضی پورصمدی

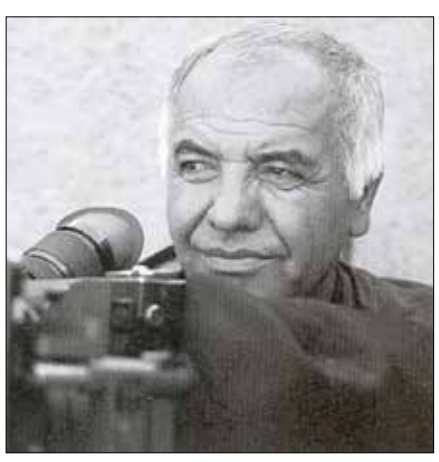

مراسم خاکسپاری مرتضی پورصمدی فیلمبردار پیشکسوت سینمای ایران و تلویزیون فردا (۱۳ شهریور ماه) ساعت ۹:۳۰ صبح از مقابل ساختمان شماره ۲ خانه سینما (خیابان وصال) برگزار می‌شود.

بهرام بدخشانی رییس انجمن فیلمبرداران سینمای ایران با اعلام این خبر به ایسنا گفت:پس از برگزاری مراسمی در ساختمان شماره ۲ خانه سینما ، پیکر مرتضی پورصمدی به بهشت سکینه کرج و قطعه خانوادگی‌شان منتقل می‌شود.

مرتضی پورصمدی ۱۱ شهریور ماه سر صحنه سریال شبکه خانگی «گناه یک فرشته» به کارگردانی حامد عنقا بوده که حالش بد می‌شود و متاسفانه پس از انتقال به بیمارستان با وجود تلاش پزشکان از دنیا می‌روند.

به گفته‌ی او؛ این فیلمبردار قدیمی عوارضی شبیه سکته قلبی داشته است.

بهشت سکینه در کیلومتر ۵ اتوبان کرج قزوین، کمال شهر، خیابان بهشت سکینه قرار دارد و آرامگاه پورصمدی نیز در قطعه ۳۲ ردیف ۲۶ شماره ۱۰۸ واقع شده است.

مرتضی پورصمدی مستند ساز و فیلمبردار سینما و تلویزیون ایران را شاید بیش از همه با کارهای مستندش بشناسیم، همچون «حوردورق» «نقش و نقشه برداری» و همچنین مجموعه تلویزیونی «کودکان سرزمین ایران» و.... این هنرمند متولد ۱۳۳۱ در همدان و فارغ‌التحصیل رشته فیلمبرداری از مدرسه عالی تلویزیون و سینما بود. او در سه حوزه فیلم‌های مستند، فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی مدیر فیلمبرداری بوده و در برگزاری نمایشگاه عکس نیز دستی بر آتش داشته است.

فیلم‌های سینمایی «گیلانه»، «دایره زنگی»، «اقلیما»، «هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند»، «هویت»، روایت سه‌گانه (اپیزود رخشان بنی‌اعتماد) و «یک گزارش واقعی» از جمله فیلم‌هایی است که او در فیلمبرداری آن‌ها نقش داشته است.

همچنین سریال‌های «مزد ترس»، «مدار صفر درجه» و «حیرانی» نیز از جمله سریال‌های تلویزیونی است که تصویربرداری آن‌ها برعهده پورصمدی بود.

او به واسطه سال‌های فعالیت حرفه‌ای، جوایز مختلفی را در حوزه فیلمبرداری به دست آورد که از آن جمله می‌توان به سیمرغ بلورین بهترین فیلمبرداری از بیست و هفتمین جشنواره فجر، جایزه بهترین فیلمبرداری از جشنواره‌های رشد، کودک، سینماحقیقت و... اشاره کرد.

پورصمدی همچنین نمایشگاه‌های عکس خود را در سوئد، فرانسه، کانادا و... برگزار کرده بود.

نگاه

درباره فیلم سینمایی «سرچشمه‌های من»

چشم هایش

صدف فاطمی

آیا چشم‌ها منحصر به فرد هستند و تکه مهمی از هویت آدم‌ها؟ آیا چشم‌هایی بوده که در ذهن‌تان بماند و دین و دنیای‌تان شوند؟ آیا چشم‌ها در آدم‌های بعدی تکرار می‌شوند؟ این‌ها همه سوال‌هایی‌ست که در فیلم سینمایی «سرچشمه‌های من» با دکتر «یان گری»، دانشمند زیست‌شناسی مولکولی به دنبال جواب‌شان می‌رویم. «یان» عاشق چشم است، از چشم آدم‌ها عکس می‌گیرد و دارد تحقیقاتی انجام می‌دهد که ثابت کند چشم، روندی تکاملی دارد. به اعتقاد او، چشم‌ها مهم‌ترین جایی‌ست که آدم‌های مذهبی برای بی‌اعتبار کردن فرضیه تکامل از آن بهره می‌برند. در همین مسیر به صورت اتفاقی شبی در یک مهمانی هالووین با دختری به نام «سوفی» آشنا می‌شود و از چشم‌هایش عکس می‌گیرد. اتفاقات آن شب ناتمام می‌ماند اما تصویر ثبت شده چشم‌های «سوفی» سفر جدیدی را برای «یان» رقم می‌زند؛ او با همان عکس عاشق «سوفی» می‌شود و تا پیدا کردنش پیش می‌رود. قصه «یان» و «سوفی» شروع می‌شود و «یان» عاشقانه‌هایش با سوفی را هم با همان عینک علم و منطقش پیش می‌برد؛ در بازگویی احساسش به «سوفی» می‌گوید که احتمالا اتم‌های آن‌ها از میلیاردها سال قبل با هم برخوردهای زیادی داشته‌اند و همین است که انگار از خیلی دورها همدیگر را می‌شناختند. دنیای «یان» در میکروسکوپ‌ها، فرمول‌ها، معادلات و هر چیزی که به نحوی با منطق گره خورده خلاصه شده و «یان» هیچ تمایلی هم به ایجاد تعادل در نگاهش ندارد. تا جایی که در یکی از سکانس‌هاس فیلم «سوفی» به در نیمه‌باز اتاق «یان» که نور باریکی از لای آن به داخل می‌آید اشاره می‌کند و به او می‌گوید که چشم‌هایش را بشوید و طور دیگری ببیند. بیرون این «در» اتفاق‌ها و خبرهای تازه‌ای انتظارش را می‌کشند که می‌توانند هر کدام باری از تجربه‌های جدید داشته باشند. «در» نمادی می‌شود که یاد مخاطب می‌ماند. با این که بعد از این سکانس اتفاق‌های غیرقابل پیش‌بینی زیادی می‌افتد، اما این «در» با مخاطب می‌آید تا سکانس آخر. آن‌جایی که «سالومینا»، دختر کوچک هندی، از دری بیرون می‌رود و کنایه‌ای می‌شود از دنیای جدیدی که بالاخره «یان» قدم به آن می‌گذارد. ترکیب یک درام عاشقانه با یک موضوع علمی و تخیلی چیزی نیست که حتی روی کاغذ هم بشود فکرش را کرد که ارزش دیدن داشته باشد. «سرچشمه‌های من» یا «I Origins» به نویسندگی و کارگردانی مایک کیهیل اما مخاطب را پشیمان نمی‌کند. سوژه متفاوت و خط روایی تمیز و بی‌حاشیه قصه، آدم را جایی می‌برد که دیگر نیازی نیست موشکافانه به دنبال بازی خوب یا بد بازیگر خاصی باشد. ریچادر کورلیس در مجله تایم نوشته:« این اولین فیلم بعد از فیلم هتل بزرگ بوداپست است که به محض تمام شدن دلم می‌خواست یک بار دیگر آن را ببینم.» داستان فیلم کیهیل یک ضرب‌المثل بحث‌برانگیز است؛ «چشم‌ها پنجره‌ای به روح هستند.» دانشمندی مانند یان می‌گوید:« چه روحی؟» این در حالی‌ست که او متقاعد شده که چشم‌ها کلید شخصیت انسان هستند. در بسیاری از شرکت‌ها از تصویر عنبیه چشم به عنوان کارت شناسایی جدید استفاده می‌کنند که نوعی شناسایی بیومتریک است. آیا هر جفت چشم منحصر به فرد است؟ یا اگر دو نفر چشمانی دقیقا شبیه به هم دارند، از جهات دیگر هم شبیه هم هستند؟ مثلا در روح؟ این همان چیزی‌ست که در نیمه‌های فیلم همسر دوم «یان»، «کارن» هم به آن اشاره می‌کند؛ شاید هم این چشم‌ها دریچه‌ای به سوی روح باشند. این‌جاست که در لفافه موضوع تناسخ روح هم جایش را در فیلم باز می‌کند و با اسکن چشم فرزند تازه به دنیا آمده «یان» و «کارن»، روی صفحه مانیتور هویت یک پیرمرد سیاه‌پوست نمایان می‌شود. از این‌جا به بعد فیلم چشم‌ها معنای دیگری هم می‌گیرند. تصویر چشم «سوفی» با «سالومینا» در هند مو نمی‌زند و «یان» راهی هند می‌شود تا ته این داستان را در بیاورد. و این قصه تا بعد از تیتراژ پایانی فیلم هم ادامه دارد...

منبع: خبرآنلاین

اخبارکوتاه

همایون شجریان:

با نفس مردم زنده‌ام

همایون شجریان (خواننده موسیقی ایرانی) که به تازگی تور کنسرت‌های اروپایی خود را از کشور ترکیه آغازکرده است، درباره جزئیات این تور سخن گفت و اظهار کرد: با نفس مردم زنده‌ام. به گزارش ایسنا، این هنرمند درباره جزئیات تور اروپایی ۲۰۲۳ خود توضیح داد: تور ما از استانبول آغاز شد و در اروپا ادامه خواهد یافت. آمستردام، فرانکفورت، برلین، استکهلم، یوته‌بری مقاصد بعدی ما هستند و در نهایت این تور در کپنهاگ پایان خواهد یافت. شجریان درباره استقبال مخاطبان از کنسرت استانبول گفت: همه لحظات این اجراها برایم پر از لطف مردم است و این توجهی که به موسیقی بنده می‌شود، برایم جذاب است. فکر می‌کنم این یک همدلی متقابل است؛ چرا که من هم از موسیقی ترکیه و آثار هنرمندان این کشور لذت می‌برم. شماری از هموطنان ما هم در ترکیه زندگی می‌کنند و در شهر نیز شاهد حضور آنها هستیم و باعث می‌شود ما در ترکیه چندان احساس غریبگی نکنیم. از مردم ممنونم و به نفس آنها زنده‌ام. او که در حاشیه کنسرتش در سالن کنگره خلیج استانبول با شبکه «آنادولو» گفتگو می‌کرد، از انتشار آلبوم جدیدش خبر داد و اظهار کرد: آلبومی با استاد کیخسرو پورناظری آماده انتشار داریم که قرار است، به زودی منتشر شود. این اثر تقریبا ۳ سال پیش ضبط شده بود و اکنون در مرحله میکس قرار دارد. شجریان که مدتی پیش کنسرت «رنگ صدا» را در تهران روی صحنه برده بود، در کنسرت ترکیه نیز قطعاتی مثل «بگذار سر به سینه من»، «پر کن پیاله را»، «مرغ سحر» و «زلف بر باد مده» را اجرا کرد و این در حالی بود که آرش گوران رهبری ارکستر این هنرمند را بر عهده داشت.

حضور صنایع خلاق فرهنگی در جشنواره فیلم کودک و نوجوان

در نشست مدیران جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان با دبیر و مدیران شورای فرهنگ عمومی کشور، پیشنهاد تشکیل کارگروه مشترک بازارپردازی و حضور صنایع خلاق فرهنگی در جشنواره بررسی شد. به گزارش روابط عمومی سی و پنجمین جشنواره بین المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، در نشست دبیر و مدیران ستاد اجرایی سی و پنجمین جشنواره بین المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان با دبیر و مدیران شورای فرهنگ عمومی کشور، پیشنهاد تشکیل کارگروه مشترک بازارپردازی و حضور صنایع خلاق فرهنگی در جشنواره مورد بررسی قرار گرفت. در نشست مذکور که به میزبانی بنیاد سینمایی فارابی برگزار شد مجید زین العابدین دبیر جشنواره و مدیرعامل این بنیاد، سیدمجید امامی دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور، سیدامیر آقایی دبیر قرارگاه بازارپردازی صنایع فرهنگی به همراه مدیران ستادی جشنواره راه‌های هم‌افزایی در حوزه بازارپردازی صنایع فرهنگی و لزوم توجه بیشتر صاحبان صنایع به تولیدات جانبی محصولات فرهنگی و هنری را در آستانه برگزاری جشنواره بین المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان مورد بحث قرار دادند.

سیدمجید امامی با اشاره به اهمیت جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان به عنوان مهمترین رویداد هنری حوزه کودک و نوجوان کشور تصریح کرد: این جشنواره ظرفیت و سکوی پرش مناسبی برای پیچینگ مدل‌های مختلف اقتصادی نزد صاحبان صنایع را دارا بوده ضمن اینکه رویداد «تامین مالی صنایع فرهنگی کودک و نوجوان» نیز می‌تواند همه ساله در کنار جشنواره فیلم کودک و نوجوان برگزار شود. همچنین سیدامیر آقایی نیز با اشاره به اثرگذاری جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان به عنوان یک رخداد بین‌المللی گفت: این رویداد هنری می‌تواند زمینه مهمی برای ایجاد و معرفی شخصیت‌های ایرانی در حوزه پویانمایی فراهم سازد و صنایع جانبی نیز با استفاده از این شخصیت به تولید محصولات متنوع خود بپردازند. دبیر قرارگاه بازارپردازی صنایع فرهنگی همچنین پیشنهاد داد جایزه‌ای به نام «فرهنگ بنیان» طراحی و از سوی داوران مربوطه به فیلم‌هایی که از نظر محتوا، مضمون و تجاری‌سازی قابلیت بازارپردازی فرهنگی دارند، اهدا شود. مجید زین العابدین دبیر سی و پنجمین جشنواره بین المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان با ابراز خرسندی از برگزاری این نشست و اثرگذار بودن طرح‌ها و پیشنهادهای ارائه شده، بر ضرورت تشکیل کارگروه مشترک بازارپردازی صنایع فرهنگی با حضور کارشناسان بنیاد سینمایی فارابی و شورای فرهنگ عمومی کشور تأکید و ابراز امیدواری کرد کارگروه مذکور بتواند در کوتاه‌ترین مدت پیشنهاداتی عملیاتی ارائه دهد که بخشی از آن را بتوان در جشنواره امسال به عنوان زمینه اولیه حضور جدی صاحبان صنایع در حوزه تولیدات جانبی محصولات سینمایی اجرا کرد و در دوره‌های بعدی جشنواره نیز بازارپردازی صنایع فرهنگی یکی از بخش‌های اصلی و مهم این رویداد هنری باشد.